روی خط خبر

جریمه سنگین برای گرانفروشی اماکن ورزشی

سخنگوی سازمان تعزیرات حکومتی از جریمه ۲۶ میلیارد تومانی شهرداری تهران به دلیل گرانفروشی اماکن ورزشی خبر داد. سید یاسر رایگانی در گفت‌وگو با صداوسیما اظهار کرد: در بحث عوارض محدوده طرح ترافیک مجدد ما شهرداری و شورای شهر تهران را برائت دادیم، اما در بحث استفاده گران و گرانفروشی در موضوع استفاده از اماکن ورزشی شهرداری تهران مبلغ ۲۶ میلیارد تومان جریمه نقدی به میزان دو برابر تخلف انجام شده در مدت زمان مورد نظر سازمان حمایت رأی صادر شد.

مهدی: استنباط ما از صحبت رئیس جمهور، شروع لیگ است

سهیل مهدی، سرپرست کمیته مسابقات سازمان لیگ که با برنامه رادیویی «تهران ورزشی» صحبت می‌کرد، درباره جدیدترین اتفاقات از زمان آغاز تمرینات و مسابقات فوتبال گفت: خوشبختانه دستورالعمل خوبی از طرف ریاست محترم جمهوری اعلام شد که خوشحال شدیم. امیدوارم ستاد محترم مقابله با کرونا که همیشه به ما کمک کردند و شرایط ما را در اولویت قرار دادند، اجازه دهند به سمت آغاز تمرینات برویم چون هر چه دیر شود شرایط سخت‌تر شود. البته استنباط من هم این است که صحبت‌های ایشان موجب شروع لیگ می‌شود.

داورزنی: نباید تصمیم احساسی گرفت



نخستین نشست هم‌اندیشی مربیان و کارشناسان والیبال ایران برای تعیین تکلیف و انتخاب سرمربی تیم ملی، صبح دیروز در سالن فارسی آکادمی ملی المپیک برگزار شد. محمدرضا داورزنی رئیس فدراسیون والیبال در این نشست گفت: در حال حاضر موضوع اصلی بحث ویژگی‌های مربی جدید است که باید با به‌کار بردن این ویژگی‌ها بتواند تیم ملی ایران را حمایت کند. طبیعتا همه ما دوست داریم که مربیان ایرانی در سطح جهانی کار کنند، اما موضوع مربی آینده تیم ملی باید منطقی جلو برود و نباید احساسی تصمیم گرفت. بهتر است در این جلسه شاخص‌های مربی مدنظر را جمع‌بندی کرده و سپس در مورد خارجی یا داخلی بودن گزینه نهایی تصمیم بگیریم.

دیدار مجیدی و سعادتمند



با وجود تمام شایعات و گمانه‌زنی‌ها احمد سعادتمند، مدیرعامل باشگاه استقلال و فرهاد مجیدی، سرمربی تیم فوتبال این باشگاه دیروز با یکدیگر دیدار کردند. سایت باشگاه استقلال با اشاره به این دیدار نوشت: در این نشست که در فضایی گرم و صمیمی برگزار شد، سرمربی و مدیرعامل استقلال در مورد برنامه‌های پیش روی تیم و مباحث مربوط به آبی‌پوشان گفت‌وگو کردند. مجیدی در این نشست گزارشی از نحوه آماده نگه داشتن بازیکنان در ایامی که به دلیل شیوع ویروس کرونا تمرینات گروهی با محدودیت مواجه بود به مدیرعامل ارائه کرد و سعادتمند نیز به سرمربی تیمش اطمینان داد با همه توان و قوا برای اعتلای این تیم تلاش خواهد کرد.

پس از بازدید سعادتمند از زمین تمرین مجموعه انقلاب، وی دستوراتی را در راستای تسریع در روند تکمیل و تجهیز این زمین تمرین جهت بهره‌برداری هرچه سریع‌تر صادر کرد.

این در حالی است که در روزهای گذشته صحبت‌های زیادی درباره اختلاف این دو با یکدیگر و عدم تمایل مجیدی برای جلسه با سعادتمند به دلیل پرداخت نشدن مطالبات اعضای تیم مطرح شده بود.



کولیبالی گزینه جانشینی لوورن در لیورپول

از چندی پیش معلوم شده دژان لوورن، مدافع کروات لیورپول جایی در ترکیب فصل بعد این تیم ندارد. به همین دلیل، یورگن کلوپ از همین حالا یک بازیکن را به عنوان جانشین او در نظر گرفته است. به گزارش دیلی استار، خرید کالیدو کولیبالی از ناپولی در دستور کار مدیران تیم قرار گرفته است. گفته می‌شود سران ناپولی روی این بازیکن ۱۰۰ میلیون یورو قیمت گذاشته‌اند.



باشگاه بکام به دنبال ویدال

باشگاه اینترمیامی آمریکا که هدایتش برعهده دیوید بکام، فوتبالیست و کاپیتان اسبق منچستریونایتد و تیم ملی انگلیس است، خرید آرتورو ویدال را در دستور کار قرار داده است. طبق اعلام کلارین، نماینده این باشگاه قصد دارد در روزهای آینده با مدیر برنامه ویدال برای همکاری صحبت کند. این بازیکن شیلیایی که قبلا در تیم‌های بایرلورکوزن، یوونتوس و بایرن مونیخ بازی کرده، علاقه چندانی به ادامه حضور در بارسلونا ندارد.



بعد از خبر کارت‌های جعلی پایان خدمت و بلبشویی که در فوتبال ایران راه افتاد مهرداد پولادی از کشور فراری شد. مهرداد دیگر نه به تیم ملی دعوت شد و نه اصلا به ایران برگشت

عکس: سایت فدراسیون فوتبال

گزارش جام جم از چهره‌های فوتبال ایران که خیلی زود فراموش شدند

ستاره شد؛ ستاره بود

مازیار فیروزی
ورزش

فوتبال بازها همیشه یک اصطلاح خیلی مخصوص دارند که فقط برای بازیکنان خیلی تکنیکی به کار می‌برند و می‌گویند: «یارو ۴ نفر رو روی دستمال کاغذی دریبل می‌زند.» در ایران زیاد از این بازیکنان داشتیم. مثل علی کریمی، خداداد عزیزی، مجاهد خذیراوی و خیلی‌های دیگر. داشتیم بازیکنانی که شانس با آنها یار نبوده. گاهی یک تصادف، گاهی یک مصدومیت و گاهی یک اتفاق غیرمنتظره عمدتا ناشی از عصبانیت آنها را از صحنه فوتبال محو کرده، مثل پرویز برومند و آن مشتی که توی صورت پایان رافت زد. آن مشت توی صورت خودش خورد تا کبودی‌اش پایانی باشد بر همه آرزوهای فوتبالی‌اش. ستاره در ایران کم نداشته‌ایم که وقتی یادشان می‌کنیم آهی از ته‌دل می‌کشیم و می‌گوییم: «حیف شد، اگر فلان بازیکن بود، اگر مصدوم نمی‌شد و اگر تصادف نمی‌کرد حالا هیچ باشگاهی در ایران نمی‌توانست پول قراردادش را بدهد.»

فوتبال است دیگر، آه و حسرتش زیاد است و باید با آن کنار آمد. داستانش سریع آغاز می‌شود اما برای خیلی‌ها زود به پایان می‌رسد. گاهی اتفاق‌هایی می‌افتد و بازیکنان در طغیانی عجیب دست به کارهایی می‌زنند که دل میلیون‌ها هوادار عاشق را می‌سوزاند. از شرکت در مهمانی‌های نامتعارف گرفته، تا انتخاب‌های اشتباه و هزار و یک دلیل دیگر. شاید هم اشتباه از ما عشق فوتبال‌ها باشد که فراموش می‌کنیم برای‌شان اسفندی دود کنیم تا از شر چشم‌های بد در امان بمانند! در این گزارش اشاره‌ای شده به بازیکنانی که ستاره بودند اما ستاره نماندند. آنها فانوسک‌های خاموشی شدند که حالا وقتی یادشان می‌کنیم، می‌گوییم: «حیف شدند.»

جواد منافی

«سیم خاردار» لقبی بود که هواداران قبل از مجتبی محرمی به او داده بودند؛ یعنی جواد منافی. بازیکن چپ‌پایی که استعداد نابی بود در زمان خودش اما یک تصادف باعث شد تا فوتبالش برای همیشه نابود شود. سال ۱۳۷۳ و پس از پایان مرحله گروهی مسابقات لیگ، جواد در یک تصادف رانندگی به‌شدت مصدوم شد و یک هفته به کما رفت. پس از این رخداد او بسیار کوشید تا خود را به آمادگی پیشین برساند، اما در این راه چندان کامیاب نبود و مجبور شد در جوانی و در ۲۴ سالگی برای همیشه فوتبال حرفه‌ای را کنار بگذارد.

علی اکبریان

یکی از بازیکنانی که حاشیه از فوتبال جدایش کرد علی اکبریان بود. اکبریان هم در استقلال بازی کرد و هم در پرسپولیس. بازیکنی که لقب روماریوی ایران را به او داده بودند. یک روز مصاحبه کرد و گفت: «نمی‌دانم. هر چه فکر می‌کنم کجای زندگی‌ام را اشتباه قدم برداشتم که کارم به زندان کشید کمتر به نتیجه می‌رسم.» تیتر روزنامه‌ها، فردای روزی که علی اکبریان به دلیل حمل مواد مخدر بازداشت شد از یاد کمتر کسی رفته است. برای او حکم اعدام بریدند اما پادرمیانی خیلی از چهره‌های فوتبالی او را از چوبه دار نجات داد تا حکمش تبدیل به حبس ابد شود. خود اکبریان در این باره می‌گوید: «دوری از دوستان فوتبالی‌ام زندگی‌ام را نابود کرد. وقتی که به خودم آمدم دیدم که دورو برم را افراد معتاد گرفته‌اند. چون آدم معروفی بودم افراد زیادی با من در ارتباط بودند. من بچه جنوب‌شهرم. بچه‌های جنوب‌شهر رفیق‌باز هستند. من هم این خصلت را دارم و نمی‌توانستم علیک هر سلامی را ندهم. اما در نهایت گرفتار شدم.»

مجاهد خذیراوی

اگر همین حالا به بچه‌های نسل جدید بگویید زمانی بازیکنی داشتیم که از بارسلونا پیشنهاد داشت، بدون شک می‌گویند: «خالی نبند!» اما مجاهد خذیراوی از آن بازیکن‌هایی بود که پیشنهادی واقعی از بارسلونا داشت. خذیراوی یکی از همان کسانی بود که چهار نفر را روی دستمال کاغذی دریبل می‌کرد اما زودتر از آن‌که فکرش را بکنند، فوتبالش تمام شد. سیه چرده خوزستانی که به قول رفقایش: «اگر الان بازی می‌کرد ۱۰ میلیارد قیمتش بود.» انتشار یک فیلم خصوصی از یک مهمانی خصوصی رویای او و میلیون‌ها هوادار را برباد داد. حالا بارسلونا و بازی در تیم‌های اروپایی پیشکش. مجاهد بازیکنی بود که نه فقط خودش برای خودش آه می‌کشد، بلکه هر وقت حرفی از او به میان می‌آید، هواداران سرشان را تکان می‌دهند؛ مجاهد، حیف شد، واقعا حیف...

پیام صادقیان

یکی از استعدادهای ناب فوتبال. روزی قرار بود انتقام پدرش از این فوتبال را بگیرد، اما فوتبال بی‌رحم‌تر از این حرف‌ها بود. فوتبال پیام را هم در خودش غرق کرد تا بازیکنی که در ورزشگاه برایش می‌خواندند: «پیام صادقیان، واویلا، واویلا» حالا در کشور همسایه زندگی کند. او لژیونر نشده، بلکه سایت شرط‌بندی فوتبال راه انداخته و با افتخار از این می‌گوید که دارد روزگار می‌گذراند.

همه چیز از رفاقت با یک خواننده زیرزمینی شروع شد. چهره‌ای نه چندان موجه که شده بود آمال و آرزوهای پیام اما نهایتش چیز دیگری بود. خمیازه‌های صبحگاهی در تمرین پرسپولیس (که نشان از شب زنده‌داری‌های پی‌درپی داشت) جدایی از این تیم، شاگرد علی دایی شدن، دوام نیاوردن در تیم شهریار، زدن زیر میز علی منصوریان و در نهایت خداحافظی از دنیای فوتبال. این بود سرنوشت بازیکنی که روزی می‌گفتند آریل اورتگای ایران می‌شود!

رضا حقیقی

مگر می‌شود بازیکنی در جام جهانی به عنوان بازیکن ثابت بازی کند، تنه به تنه مسی و رفقایش بزند و به قول قدیمی‌های فوتبال در وسط میدان شلاق بزند اما در چشم برهم زدنی از صحنه فوتبال محو شود؟ رضا حقیقی ثابت کرد که می‌شود! در فجرشهید سپاسی بازی می‌کرد که کی‌روش به تیم ملی دعوتش کرد. آنقدر درخشید که در تور پرسپولیسی‌ها افتاد. ۶ سال در اوج بود و امیدوار بود که با درخشش در جام جهانی و پرسپولیس، راهی اروپا شود اما بعد از جنجال‌هایی که در این تیم به وجود آورد (کتک کاری با صادقیان، درگیری با مربیان و...) در نهایت به دلیل اختلاف مالی با مدیران پرسپولیس قراردادش را فسخ کرد و راهی پدیده شد. اما همه چیز پول نبود. افت حقیقی شروع شده بود. او به هوادارانش قول داده بود تا بشود همان حقیقی «خدیرا» اما فوتبال بی‌رحم‌تر از این حرف‌هاست که اجازه بدهد هر چیزی همانطوری که دوست داری اتفاق بیفتد. یک قرارداد فسخ شده در تایلند، بازگشت به پدیده، رفتن به تیم دسته یکی شهرداری ماهشهر و تمام. حالا کمتر کسی می‌داند حقیقی کجاست و چه می‌کند؟

مهرداد پولادی

سال‌ها پس از حضور مجتبی محرمی در پرسپولیس و تیم ملی، ستاره‌ای آمده بود که به ضرس قاطع می‌توان گفت می‌توانست جای خیلی از ستاره‌ها را پر کند. در روزگاری که اوضاع پرسپولیسی‌ها بر وفق مراد نبود، پولادی تنها بازیکنی بود که از سوی هواداران تشویق می‌شد! او در تیم ملی هم بازیکن ثابت کی‌روش بود تا این‌که خبر کارت‌های جعلی پایان خدمت و بلبشویی که در فوتبال ایران راه افتاد او را از کشور فراری داد. مهرداد دیگر نه به تیم ملی دعوت شد و نه اصلا به ایران برگشت. او این روزها ظاهرا در قطر است و آخرین تیمی که بازی کرده الخریطیات قطر است. شاید اگر این حاشیه برای او پیش نمی‌آمد سمت چپ تیم ملی ایران تا سالیان سال بیمه بود و خود مهرداد هم ستاره‌ای بود که بیش‌تر از قبل درخشانی‌اش هویدا بود.

مجتبی زارعی

یکی دیگر از این بازیکنان مجتبی زارعی بود که پس از به ثمر رساندن ۸ گل با پیراهن تیم راه‌آهن در فصل ۸۸-۸۷ به پرسپولیس پیوست. اما ثمره دو فصل حضور این بازیکن شیرازی در جمع قرمزهای پایتخت فقط ۲ گل در ۴۱ بازی بود. دوران بعد از پرسپولیس این بازیکن سرعتی نیز فروغ چندانی نداشت و آمار می‌گوید آخرین تیم او مربوط به فصل گذشته و در تیم شهرداری ماهشهر بود.

آرش افشین

آرش افشین را باید در لیست بازیکنانی قرارداد که با تیم فولاد خوزستان به فوتبال کشور معرفی شد و البته درخشان‌ترین دوران فوتبالی او هم مربوط به همین تیم است. او در ابتدای فصل ۹۲-۹۳ به سپاهان رفت اما دیگر خبری از آن درخشش و گلزنی نبود. افشین یکی از بازیکنانی بود که درگیر موضوع جنجالی کارت‌های معافیت سربازی شد و به اجبار دو فصل را در ملوان سپری کرد. او پس از پایان دوران سربازی به استقلال هم پیوست اما هرگز نتوانست آن بازی‌های عالی خود را تکرار کند. او از سال گذشته یک آکادمی پیشرفته برای نوجوانان خوزستانی دایر کرده و به تازگی هم شایعه شده که وارد دنیای مدلینگ شده است.

امین شاپورزاده

ماجرای امین شاپورزاده را باید یکی از عجایب دنیای فوتبال دانست. نام این مهاجم ایرانی-آلمانی زمانی در رسانه‌ها مطرح شد که در سال ۲۰۰۴ و در ترکیب تیم هانزاروستوک، اولین بازی رسمی خود در بوندس لیگا را انجام داد. او فقط سه فصل حضور در سطح اول فوتبال آلمان را تجربه کرد و بعد به تیم دسته سومی اف‌اس‌وی فرانکفورت پیوست. اما بی شک عجیب‌ترین مرحله زندگی فوتبالی این بازیکن زمانی بود که او به جمع تیم پرستاره و متمول استیل آذین پیوست. او هرگز نتوانست با این تیم درخشش داشته باشد و این روزها از امین شاپورزاده و تیم فوتبال استیل آذین تنها یک اسم در ذهن‌ها باقی مانده است.

محمد پروین

وقتی محمد پروین در سال ۸۴ و در ۱۷ سالگی اولین بازی خود را در تیم فوتبال پرسپولیس انجام داد، خیلی‌ها انتظار داشتند یک پروین دیگر در فوتبال ایران ظهور کند. اما دو فصل حضور در جمع قرمزها هیچ نتیجه‌ای برای او به همراه نداشت و به استیل آذین رفت. بهترین دوران او در همین تیم رقم خورد و توانست با ۱۵ گل آقای گل مسابقات لیگ دسته اول فوتبال ایران در فصل ۸۷-۸۶ شود. او سال ۸۸ بار دیگر به پرسپولیس بازگشت اما در دو فصل حضور در این تیم تنها یک گل به ثمر رساند. پروین خیلی زود از سطح اول فوتبال کشور کنار رفت و با اعلام بازنشستگی در ۲۶ سالگی، به تجارت روآورد.

و دیگران

سوای بازیکنانی که از آنها اسم برده شد میلاد میداوودی، علیرضا نیکبخت‌واحدی، حامد کاویانپور، حمید مطهری، حسین کاظمی، مهدی شیری، مجتبی جباری، رضا جباری، محرم نویدکیا، رسول خطیبی و ... از جمله ستارگانی هستند که یا مصدوم شدند، یا حاشیه داشتند یا برای دلگرمی باید بگوییم که بخت با آنها یار نبود تا بتوانند آن‌طور که هواداران توقع داشتند در آسمان فوتبال ایران بدرخشند.

افشای بند مهم در قرارداد برخی بازیکنان پرسپولیس

علیه مدیران باشگاه مصاحبه کنید، جریمه می‌شوید!

رضا پورعالی
ورزش

پرسپولیسی‌ها در روزهای عجیب خود به سر می‌برند. روزهایی که از یک سو می‌تواند با قهرمانی چهارم‌شان همراه شود و از طرف دیگر، پتانسیل نابود کردن یک هیات مدیره دیگر را دارد. این روزهای عجیب، شایعات دنباله‌دار، افشاگری‌های باورنکردنی و اتفاقات مهمی را در دل خود جای داده و تقریبا هر روز، مسائلی را می‌شنویم که نشان از فشار حواشی و شایعات دارد.

باشگاه پرالتهاب و پرخبر

از لو رفتن قراردادهای آنچنانی گرفته تا ماجرای انتقال یحیی گل‌محمدی از شهرخودرو به پرسپولیس. از استعفای مدیرعامل تا افشاگری‌های هیات‌مدیره علیه محمدحسن انصاری‌فرد. از ماجرای فرار استوکس تا رای اولیه شکایت برانکو ایوانکوویچ و... که هر کدام از این اتفاقات برای کشاندن یک باشگاه به سمت حواشی کافی است. با این حال در این روزها، موضوع عجیب‌تری هم شنیدیم.

بازیکنان شاکی، اما ساکت

در حال حاضر بازیکنان پرسپولیس به خاطر عدم دریافت مطالبات وعده داده شده، به‌شدت شاکی و عصبانی هستند و این موضوع را بارها به گوش مسوولان باشگاه هم رسانده‌اند. حتی شایعه شده سه بازیکن با لحنی عصبانی و شاکی، اعتراض شدیدتری نسبت به مدیریت باشگاه داشتند و به صورت شخصی برای مهدی رسول‌پناه سرپرست مدیرعاملی پرسپولیس، پیامک ارسال کردند. آنها هر تحرکی که دارند، درون خانواده پرسپولیس است و خبری به بیرون درز پیدا نمی‌کند. یعنی بازیکنان داخل تیم جوش و خروش دارند اما در مصاحبه‌ها، هیچ نشانی از این حجم بالای اعتراض را نمی‌بینیم.

بند جنجالی، دلیل سکوت

اما دلیل سکوت چیست؟ یکی از نزدیکان به باشگاه که مدتی است از پرسپولیس دور شده، ماجرا را این طور برای‌مان تعریف می‌کند: «در دو پنجره نقل‌وانتقالاتی اخیر، قراردادهایی با برخی بازیکنان ثبت شد که یکسری بند مهم در آن وجود دارد. بازیکنان پرسپولیس حق ندارند در مصاحبه‌های خود، علیه باشگاه، مدیریت آن، اعضای هیات‌مدیره و کارمندان، کادرفنی و اسپانسرها کوچک‌ترین حرفی به زبان بیاورند. اگر این اتفاق رخ بدهد، بدون هیچ چشمداشتی جریمه می‌شوند. هم بازیکنانی که در ابتدای فصل به این تیم آمدند، هم بازیکنانی که قراردادشان را تمدید کردند و هم یاران جدیدی که در نیم‌فصل به پرسپولیس اضافه شدند، باید از قانون جدید پیروی کنند.»

تیتر جنجالی نمی‌دهند

حالا اگر می‌بینید پرسپولیسی‌ها مصاحبه می‌کنند، اعتراض‌شان را هم به زبان می‌آورند اما تیترهای جنجالی نمی‌دهند، یک دلیل دارد و آن هم امضای قراردادی با همین بند است. بازیکنان این تیم حق ندارند علیه مدیران باشگاه صحبتی کنند در غیر این صورت، ممکن است جریمه مالی یا حتی اخراج از تیم نصیب‌شان شود. از آنجا که چنین بندی به صورت قطعی در قرارداد وجود دارد و تک تک بازیکنان پس از مطالعه آن اقدام به امضا کردند، پس به قانون تبدیل شده و هیچ بازیکنی حق ندارد از آن سر باز بزند. این طور شده که یاران تیم فقط تلاش می‌کنند با طعنه و کنایه، به دنبال حق خود بروند.

فقط با ما مصاحبه کنید

قانون عجیب‌تر دیگر در قراردادها این است؛ شایعه شده در این بند از قراردادها آمده بازیکنان فقط باید با ارگان‌های خبری باشگاه از جمله سایت، کانال تلگرامی، اینستاگرام و اپلیکیشن مصاحبه کنند! به معنای دیگر، شرایط به گونه‌ای باشد که آنها فقط از مدیریت تعریف کنند تا اسیر تیغ سانسور نشوند. این شایعات اگر صحت داشته باشد، باشگاه پرسپولیس را در شرایط عجیبی قرار می‌دهد و اوضاع را از این که هست، پیچیده‌تر می‌کند.

بازیکنان پرسپولیس حق ندارند در مصاحبه‌های خود، علیه باشگاه، مدیریت آن، اعضای هیات‌مدیره و کارمندان، کادرفنی و اسپانسرها کوچک‌ترین حرفی به زبان بیاورند

